

تحول روابط روسیه و ناتو در دوره مدویدف و تأثیر آن بر روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران

سید حسن میرفخرایی*

چکیده

طی دو دهه اخیر، روسیه بر مبنای راهبردهای سیاست خارجی خود، همواره گسترش ناتو به شرق را به سبب تحکیم حوزه نفوذ ناتو و غرب در منطقه، علیه منافع امنیت ملی خود تلقی کرده است. این در حالی است که مسکو در سال‌های اخیر، با وجود مخالفت با گسترش ناتو تلاش کرده منافع ملی خود را بر اساس برنامه‌های آتی این سازمان تطبیق دهد؛ به‌طوری‌که در دوره مدویدف و به‌ویژه پس از نشست لیسبون در نوامبر 2010، شاهد گسترش چشمگیر همکاری‌های کرملین با ناتو هستیم. تداوم این اوضاع، با توجه به همکاری‌های تکنولوژیک و نظامی جمهوری اسلامی ایران با روسیه، در روابط مسکو تهران حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: ایران، روسیه، سیاست خارجی، مدویدف، ناتو، نشست لیسبون.

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (for501520@yahoo.com).

تاریخ پذیرش: 1392/5/31

تاریخ دریافت: 1391/10/17

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نهم، پاییز 1392، صص 203-183.

مقدمه

کنت والتز¹ معتقد بود: «پس از جنگ سرد، روزهای ناتو شمرده نمی‌شود، اما سال‌هایش شمرده می‌شود. ناتو در کوتاه‌مدت تداوم دارد و تداوم بلندمدتش در آینده نامشخص است» (Kay, 2009, P.). ناتو طی سال‌های اخیر و به دنبال تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای، به‌ویژه حادثه 11 سپتامبر، ضمن بازتعریف هویت خود، تعاریف جدیدی از مأموریت‌ها، حوزه اقدام و منابع تهدید برای کشورهای عضو ارائه داد که با توجه به گسترش جغرافیایی و کارکردی، به نظر می‌رسد در حال تبدیل به سازمان نظامی سیاسی و امنیتی است. در این میان، راهبرد روسیه در قبال ناتو ثابت و پایدار نبوده و برحسب تحولات داخلی و شرایط بین‌المللی تحول یافته است. مسکو به‌مثابه عضو طرح «مشارکت برای صلح» از سال 1995 و کشوری که در 1997 «معاهده بنیادین با ناتو» امضا کرده، در تلاش برای تبدیل وضعیت «تقابل» به «تفاهم» با غرب است. حادثه 11 سپتامبر نیز باعث شد تا روابط ناتو با این کشور وارد مرحله تازه‌ای شود و در مبارزه با تروریسم، به راهکارهای تفاهم‌آمیزی دست یابند. در سال‌های اخیر، همکاری‌های نظامی روسیه با ناتو گسترش یافت و گفت‌وگوهای میان این کشور با اعضای ناتو در زمینه کنترل تسلیحات کشتار جمعی، به‌ویژه پس از نشست لیسبون در نوامبر 2010، پیشرفت‌های چشمگیری داشته و دو طرف به چهارچوبی سیاسی برای حفظ روابط دوستانه دست یافته‌اند (تیشه‌یار، 1388: 56). این در حالی است که ناتو از سویی ایران و سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن را تهدیدی علیه اهداف خود قلمداد می‌کند و از سوی دیگر، سیاست‌های این سازمان تحت نفوذ امریکا تهدیدی جدی علیه امنیت ملی و

1. Kenneth N. Waltz

تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی، این پرسش مطرح می‌شود که همکاری‌های نزدیک روسیه و ناتو در دوره مدویدف چه آثاری بر روابط مسکو با تهران داشته است؟ به نظر می‌رسد همکاری‌های نزدیک روسیه و ناتو در سال‌های اخیر، تحدید روابط دوجانبه و منطقه‌ای مسکو و تهران را به همراه داشته است. تداوم چنین روندی در کنار کاهش نسبی بی‌اعتمادی تاریخی حاکم بر روابط مسکو و ناتو و حضور و نفوذ این سازمان در محیط امنیتی ایران نگران‌کننده است.

1. تحولات روابط ایران و روسیه

در معادلات روابط بین‌الملل، سیاست خارجی هر واحد سیاسی، با وجود تأثیرات نظام بین‌الملل در نهایت ادامه سیاست داخلی آن بوده و رفتارهای بیرونی عمدتاً ناشی از لایه‌ها و پیچیدگی‌هایی است که در داخل آن وجود دارد.

1-1. نگاه روسیه به ایران

از نظر رابرت فریدمن¹ شاید برای روسیه، هیچ‌یک از دولت‌های خاورمیانه مهم‌تر از ایران نباشد. موقعیت راهبردی ایران در خلیج فارس و اهمیتش به عنوان شریک تجاری و روابط و منافع مشترک در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز توجه مسکو را به خود جلب کرده است (کرمی، 1389: 69). باین حال، در چند سال اول ریاست جمهوری یلتسین به دلیل حاکمیت تفکر «آتلانتیک گراها» بر عرصه سیاست خارجی، مسکو در سیاست‌های خود جایگاه مناسبی برای ایران قائل نبود و حتی تهران را مرکز تهدید اسلامی برای منافع خود در منطقه قلمداد می‌کرد. آندره کوزیرف، وزیر خارجه وقت روسیه، در این خصوص اظهار داشت: «رقابت ایدئولوژی‌ها پایان یافته و زمان رسیدگی به نیازهای روسیه فرا رسیده است» (آرون، 1994: 18)؛ سپس در سال 1995، با توافق‌نامه «گور - چرنومردین»² تمایل خود را مبنی بر تمدیدکردن قراردادهای نظامی با ایران پس از سال 1999 نشان داد. اما، از اواسط دهه 1990 و به‌ویژه پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین که ادغامی از

1. Robert O. Freedman

2. Gore-cheratomyrdin Agreement

ملی‌گرایی با اوراسیاگرایی بر دستگاه سیاست خارجی این کشور حاکم شد، مسکو در مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی امریکا در عرصه بین‌المللی و خطر گسترش ناتو به شرق و با توجه به سیاست‌های ضد امریکایی تهران، با اتخاذ مواضع دوستانه بر همکاری بیشتر با ایران تأکید کرد. موافقت‌نامه تکمیل ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر در 8 ژانویه 1995، فسخ یک‌جانبه موافقت‌نامه گور - چرنومردین، ملاقات رؤسای جمهور دو کشور در نیویورک، سفر وزیر دفاع روسیه به ایران و بازدید رئیس‌جمهور ایران از مسکو در سال 2000 که به انعقاد موافقت‌نامه‌های ده‌ساله همکاری دوجانبه منجر شد، در کنار مقاومت مسکو در مقابل فشارهای امریکا و رژیم صهیونیستی برای لغو قرارداد ساخت راکتورهای هسته‌ای، همگی نشان می‌دهند که ایران به جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی پوتین دست یافته است (کرمی، 1389: 70). اما با وقوع حوادث 11 سپتامبر و کنار گذاشتن روسیه از فهرست تهدیدهای امریکا و ناتو، تحولی در تعاملات امنیتی مسکو و واشنگتن روی داد که شاهد آثاری از آن بر روابط دوجانبه با تهران بودیم که البته از سال 2003 و بسط دامنه چالش‌های مسکو با غرب، ایران مجدداً جایگاه مناسب‌تری در سیاست خارجی روسیه پیدا کرد. همکاری‌های دو کشور به‌ویژه زمانی اوج گرفت که روسیه و غرب در سال‌های 2003 تا 2008، در مسائل مختلفی همچون طرح سپر موشکی امریکا در اروپای شرقی، گسترش ناتو به شرق و حمایت غرب از انقلاب‌های رنگی در منطقه موسوم به «خارج نزدیک»¹ به تعرض‌های اساسی رسیدند (دکتر میرفخرایی).

در این میان، روسیه در روند راه‌اندازی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران در چهارچوب قوانین بین‌المللی، سهم بسزایی داشته و با وجود فشارهای غرب بیشترین مشارکت را در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر و نیز در روند پیگیری آن از خود نشان داده است؛ به طوری که بسیاری از تحلیلگران، ساخت نیروگاه اتمی بوشهر² را سمبل اصلی همکاری دو کشور مطرح کرده‌اند. همچنین، هرچند سیاست آن در قبال پرونده هسته‌ای ایران عمدتاً مبهم، دوپهلوی و غیرقابل پیش‌بینی بود، در

1. Near Abroad

2. Busheher Nuclear Power Plant

عین حال در حدود منافع خود از تهران دفاع نموده و همواره بر راه حل دیپلماتیک آن تأکید و راه‌حل نظامی را تقبیح کرده است. این در شرایطی است که در سال‌های اخیر و با به‌قدرت‌رسیدن مدویدف، این کشور ضمن تداوم تعویق‌های مکرر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر از سویی به طور بی‌سابقه‌ای نگرانی‌های خود را از برنامه هسته‌ای ایران به‌وضوح نشان داده و از سوی دیگر، به‌منظور بازسازی اقتصاد خود به دنبال گسترش تعاملات و همکاری‌ها با غرب برآمده است؛ به‌طوری‌که کنارگذاشتن مفهوم دشمن و استفاده از کلماتی همچون رقابت و همکاری در برابر غرب، از اصول مهم سند سیاست خارجی دولت مدویدف است (Dehass). سؤال این است که روس‌ها از چه زمانی به طور جدی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران نگران شده‌اند؟ منابع روسی آغاز این نگرش را با موضوع تأسیسات هسته‌ای «فردو» مرتبط می‌دانند؛ به‌طوری‌که طبق اعلام سایت وزارت امور خارجه این کشور، آشکارشدن تأسیسات فردو موجب سلب اعتماد مسکو از ایران شده است (کرمی، 1389: 187). اخیراً نیز رئیس‌جمهور این کشور در آخرین اظهارنظرها در جمع دیپلمات‌های روسی اعلام کرد: «مایلم به صورت جداگانه‌ای به موضوع پیچیده دیگری اشاره کنم و آن، برنامه هسته‌ای ایران است. باید از راهکارهای ساده در این زمینه فاصله گرفت. بدیهی است که ایران در حال دستیابی به امکاناتی جهت ساخت سلاح‌های هسته‌ای است» (کرمی، 1389: 181). ضمن اینکه در چندین نوبت نیز با استناد به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی در صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، غرب را همراهی نمود. از سوی دیگر، مسکو که در طول دو دهه اخیر همواره از عرضه‌کنندگان اصلی تکنولوژی فنی و نظامی به ایران بوده، در چند سال اخیر محدودیت‌های ویژه‌ای برای انتقال این فناوری‌ها به تهران در نظر داشته و حتی نسبت به پیشرفت‌های موشکی ایران ابراز نگرانی کرده است. در واقع، مطالعه روابط میان دو کشور و نیز توجه به وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل، به‌خوبی گویای آن است که نه‌تنها روسیه به‌هیچ‌وجه مایل نیست ایران به قدرت برتر منطقه‌ای مبدل شود، بلکه ایران منزوی و ضعیف به‌خوبی می‌تواند تأمین‌کننده منافع این کشور در عرصه ژئوپلیتیک منطقه‌ای و نیز در بازارهای بین‌المللی نفت و گاز باشد (محمدی، 1389: 284). به‌طورکلی، عملکرد روسیه در دهه‌های اخیر

نشان داده است که هر وقت رابطه ایران و غرب (چه اتحادیه اروپا و چه امریکا) از تنش کمتری برخوردار باشد، روسیه نمی‌تواند در تعهداتش به ایران بی‌توجهی کند و هر وقت تنش شدیدتر شود، قدرت چانه‌زنی روسیه در قبال ایران افزایش می‌یابد و طبق منافع ملی خود به همکاری و هم‌گرایی با غرب می‌پردازد. استفاده از کارت بازی ایران برای دستیابی به منافع بین‌المللی مسکو، همگی نتیجه ساختار انحصاری روابط ایران و روسیه در عرصه سیاسی و اقتصادی است (امیدی، 1390: 60). با این وضعیت، آینده روابط دو کشور چندان روشن به نظر نمی‌رسد.

2-1. نگاه ایران به روسیه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357، باعث تکوین هویت جدیدی بر کشور گردید که بر مبنای آن، حکومتی با ماهیت و هویت دینی جایگزین حکومتی سکولار شده و ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی به عنوان راهنمای عمل و چهارچوبی برای سیاست‌گذاری‌های نوین در عرصه سیاست داخلی و خارجی درآمدند (دهقانی فیروزآبادی، 1388: 227). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به دنبال بازنگری روابط خود با غرب و به‌ویژه امریکا، با اتخاذ رهیافت چندجانبه‌گرایی¹ در صدد متنوع‌سازی روابط خارجی خود برآمد. از تجلیات رفتاری مهم این متنوع‌سازی سیاست، نگاه به شرق است. نظریه‌پردازان سیاست مذکور بر این باورند که با توجه به ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل، گرایش ایران به شرق و اتحاد با کشورهای قدرتمند آسیایی همچون روسیه می‌تواند منافع ملی کشور را به بهترین شکل تأمین نماید (کرمی، 1389: 188).

در چهارچوب سیاست نگاه به شرق، کاستن از بار فشار غرب و امریکا، ایجاد توازن ضدهژمونیک علیه واشنگتن به همراه پرکردن خلأ متحد راهبردی از دلایل عمده تهران در گسترش روابط با مسکو تلقی می‌شوند. به‌طور کلی، ماهیت سلطه‌ستیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاب کرده تا این کشور از روی مصلحت و به‌منظور تأمین برخی اهداف سیاسی و اقتصادی خود، به مسکو گرایش نشان دهد. این در حالی است که روسیه هم به عنوان قدرتی بزرگ، همواره

از اقدامات و سیاست‌های واشنگتن در قالب ناتو و به‌ویژه پروژه «انقلاب‌های رنگی» در اوراسیا، ناخرسند و نگران بوده و آن را عاملی برای بی‌ثبات‌سازی و ظهور رژیم‌های حامی غرب در منطقه و تهدیدی بر منافع و امنیت ملی خود قلمداد می‌کرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد که در طول دو دهه اخیر، هرچند تلاش‌های امریکا مبنی بر ایجاد نظم هژمونیک در جهان، بعضاً مواضع تهران و مسکو را به هم نزدیک ساخته، اما روابط ایران با روسیه همواره تحت‌الشعاع ترس همیشگی از قدرت و مقاصد آن بوده است (Katzma, 2009). در این میان، گرچه سیاست نگاه به شرق از ابتدای انقلاب و به طور جدی‌تر از سال‌های پایان جنگ تحمیلی مورد توجه دولت قرار گرفت، اما به عنوان مرحله‌ای جدید در بازتعریف رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی و برقراری ارتباط نزدیک‌تر با کشورهای شرقی از زمان دولت نهم بسیار پررنگ شد. از مجموع مباحث روشن می‌شود که نگاه ایران به روسیه در طول دو دهه اخیر، نگرشی راهبردی بوده و برای روابط با آن اهمیت زیادی قائل بوده است؛ به طوری که به منظور حفظ روابط خود با مسکو، در بحران اول و دوم چین آن را مسئله‌ای داخلی قلمداد نموده و از صدور بیانیه‌ای تند علیه روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی خودداری کرد. به نظر می‌رسد از جانب ایران، مواضع ثابت‌تری طی دو دهه گذشته در قبال مسکو حاکم بوده، همه دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی جایگاه برجسته‌ای برای روسیه در سیاست خارجی قائل بوده‌اند؛ به طوری که در جریان سفر پوتین به تهران در 16 اکتبر 2007 (24 مهر 1386) برای شرکت در نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر، دکتر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور، روسیه و ایران را متحدان طبیعی دانسته و اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران، محدودیتی برای توسعه روابط با روسیه قائل نیست و به دنبال روابط پایدار، مؤثر و حداکثری با آن کشور می‌باشد» (کرمی، 1388: 174). این در حالی است که روابط تهران کرملین، با وجود ضرورت گسترش برای پرشدن ظرفیت‌های موجود و اهمیتی که دو کشور برای یکدیگر دارند، همواره با نکته اساسی «تفاوت سطح» روبه‌رو بوده است. به این معنی که ایران، بیش از هر چیز به روسیه به عنوان دولتی برای محدودسازی تهدیدهای غرب نگاه می‌کند، اما روسیه عمدتاً به مزایای رابطه با ایران در مسائل منطقه‌ای و دوجانبه توجه دارد (کرمی،

1390: 192). سیاست‌های مبهم، دوپهلوی و غیرقابل پیش‌بینی مسکو در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه پرونده هسته‌ای و همکاری‌های فنی و نظامی، به‌خوبی مؤید این مطلب است.

در سال‌های اخیر نیز با به‌قدرت‌رسیدن مدویدف و تحول شرایط بین‌المللی، دو کشور روابط نسبتاً سردی را تجربه می‌کنند که کرملین بر مبنای منطق سیاست بین‌الملل درصدد همکاری و رفع برخی چالش‌های موجود با ناتو و ایالات متحده برآمده که تداوم این روند برای ایران نگران‌کننده است. بنابراین تهران با تکیه بر ظرفیت‌ها و توان دیپلماتیک بالای خود، سعی در رفع کاستی‌ها و ارتقای مجدد سطح روابط با مسکو دارد (دکتر میرفخرایی).

2. ناتو و جمهوری اسلامی ایران

با تغییر در ماهیت، عملیات و راهبرد فرامنطقه‌ای ناتو در فضای بعد از جنگ سرد، این سازمان به‌تدریج حضور پررنگی را در محیط پیرامونی و حوزه‌های نفوذ ایران پیدا کرده که این مسئله برای امنیت ملی کشور تهدید لحاظ می‌شود.

2-1. راهبرد ناتو در قبال ایران

سازمان ناتو، در راستای اهداف مشخص و بلندمدت خود طی سال‌های اخیر، در پی حضور نهادینه و ایفای نقش مؤثر در تحولات روز دنیا بوده و در همین زمینه، با طراحی و عملیاتی‌کردن سازوکارهای هدفمندی مانند «گفت‌وگوی مدیترانه‌ای»¹، «ابتکار همکاری استانبول»² و «طرح مشارکت برای صلح»³ همکاری با کشورهای اسلامی را در دستور کار خود قرار داده و توانسته با بزرگ‌نمایی تهدید هسته‌ای و موشکی ایران، با تمامی کشورهای حاشیه خلیج فارس قراردادهای همکاری نظامی و اطلاعاتی امضا کند. این امر با توجه به اقدامات خصمانه امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در فضای بعد از 11 سپتامبر، همانند قرارداد ایران در محور شرارت، تلاش برای بین‌المللی‌کردن فعالیت‌های هسته‌ای آن در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ارجاع پرونده هسته‌ای‌اش به شورای امنیت و صدور چندین قطعنامه

1. Mediterranean Dialogue
3. Partnership for Peace

2. Istanbul Cooperation Initiative

(دهقانی فیروزآبادی، 1378: 318). به سبب نفوذ زیاد واشنگتن در ناتو نگران‌کننده است. در این میان، برخورد ناتو با موضوع هسته‌ای ایران در دو مرحله قبل و بعد از ارجاع پرونده هسته‌ای کشور به شورای امنیت، قابل بررسی است: در مرحله نخست و در طول مذاکرات با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس، مواضع اعلامی ناتو عدم‌مداخله مستقیم در این موضوع و حمایت از تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل مسالمت‌آمیز آن بود و موضوع هسته‌ای تهران به طور رسمی و اعلام شده در دستور کار نشست‌های آن قرار نمی‌گرفت. در مرحله بعد از ارجاع پرونده به شورای امنیت، این موضوع در برخی نشست‌های ناتو بررسی شد و مقامات این سازمان، در اظهارات و اشارات خود نسبت به اهداف هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده‌اند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1386: 210). این موضوع، نخستین بار در بیانیه نشست ناتو در 28 و 29 نوامبر در ریگا¹ مورد توجه قرار گرفت و اجلاس سران در آوریل 2007 در بخارست، در بیانیه پایانی با ابراز نگرانی عمیق از خطر تکثیر تسلیحات هسته‌ای ایران و نیز برنامه موشک‌های بالستیک آن، خواستار اجرای کامل قطعنامه‌های صادره توسط شورای امنیت از سوی تهران شد. در سال 2008 نیز، در گزارشی با عنوان «به سوی استراتژی کلان برای جهانی نامطمئن: بازتعریف مشارکت فرآتلانتیکی» که به مانیفست ناتو مشهور شد، چهار تهدید عمده جهانی به صورت ذیل تعریف شد:

1. تعصب سیاسی و افراط‌گرایی مذهبی؛
2. تروریسم بین‌المللی، جنایات سازمان‌یافته و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی؛
3. تغییرات آب‌وهوایی و امنیت انرژی؛
4. تضعیف دولت‌ملتها و سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل، ناتو و اتحادیه اروپا (Nauman and Others, 2008). در این گزارش، ایران به عنوان بزرگ‌ترین تهدید ارزیابی شده است. از سوی دیگر، در 19 دسامبر 2009، معاون دبیر کل ناتو در مصاحبه‌ای با خبرنگار مجله اشپیگل آلمان راجع به توانمندی هسته‌ای ایران اظهار داشت: «ناتو در مذاکرات جاری با ایران درگیر نیست، اما عمیقاً نگران خطرات اشاعه ناشی از

1. Riga Summit

برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران است. نگرانی از گزارش‌های آژانس انرژی اتمی مبنی بر اینکه نمی‌تواند بعد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران را رد کند، است (میرزاخانی، 1389: 213). در روند تدوین «مفهوم راهبردی جدید ناتو»¹ به عنوان مهم‌ترین سند سیاسی این سازمان نیز، گروه کارشناسی به ریاست مادلین آلبرایت، وزیر خارجه اسبق امریکا، در 27 مه 2010، ضمن تأکید بر عدم تغییر در هویت بنیادین ناتو در نخستین مفهوم راهبردی سال 1999، اصلاحاتی را برای آمادگی این سازمان برای رویارویی با چالش‌های دهه آینده تا سال 2020 ارائه داد. در بخشی از گزارش این گروه تحت عنوان محیط امنیتی نوین، با عنایت به منطقه خاورمیانه به سه روند مشخص و درهم‌تنیده اشاره شده که همچنان بر امنیت ناتو تأثیرگذار خواهد بود:

1. تداوم خشونت‌های افراط‌گرایانه؛
2. جوشش‌های مداوم تنش میان اعراب و اسرائیل؛
3. سیاست‌های دولت ایران از جمله تمایل نداشتن به آن به متابعت از قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای خود. در این باره آمده است: تلاش‌های ایران برای غنی‌سازی سوخت هسته‌ای، طراحی سلاح‌های هسته‌ای و انباشت موشک‌های بالستیک دوربرد می‌تواند تحت ماده 5 معاهده واشنگتن، تهدید مهمی علیه ناتو در این دهه محسوب شود (زیباکلام، 1389: 28). در واقع، مفهوم راهبردی جدید با تبدیل این نهاد به مقر نیل به اهداف راهبردی امریکا در سطح جهانی، چهارچوب مداخله‌جویی جهانی آن را فراهم آورده و تصویر ناتو عمدتاً بازتاب دیدگاه‌ها و راهبردهای جهانی امریکا شده است (Brezinski, 2009: 230). در متن اولیه این راهبرد جدید آمده است: دفاع در برابر تهدید حمله موشک‌های بالستیک ایران، این ایده را به وجود آورده که ناتو چه نوع مأموریت نظامی را ضرورت در دستور کار خود قرار دهد (میرزاخانی، 1389: 214). در بیست و چهارمین اجلاس سران ناتو نیز که در 19 و 20 نوامبر 2010 در لیسبون پرتغال برگزار شد، مهم‌ترین نکته‌ای که به ایران مربوط می‌شود، بحث استقرار سپر دفاع موشکی است. در بیانیه 38 ماده‌ای ناتو نامی از ایران برده نشده، اما اخبار

1. NATO's New Strategic Concept

منتشره از سوی رسانه‌ها قبل از گشایش رسمی اجلاس حکایت از آن داشت که موضوع سپر دفاع موشکی و محل استقرار و نصب رادارهای ره‌گیر آن در ترکیه می‌تواند مورد توجه ایران باشد (سوری، 1389: 56). طبق اظهار نظر برخی سران مانند نیکولاسارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، در بحثی چون سپر دفاع موشکی، نام ایران به شکل جدی مطرح است. به‌طور کلی، سیاست‌های ضد غربی جمهوری اسلامی ایران در سه دهه اخیر، لیبرالیسم را در تمام اشکال آن به چالش کشیده و با توجه به اینکه ارزش‌های لیبرالیستی از ارکان نظام حاکم بر کشورهای عضو ناتو بوده است. بنابراین این امر، بازیگران غربی را به مهار راهبردی ایران در قالب ساختار ناتو ترغیب نموده است (دکتر میرفخرایی).

2-2. مواضع ایران در قبال ناتو

از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده به طور خاص و کشورهای غربی به طور عام، مراکز استکبار جهانی تلقی شده و تقابل با هر نهاد عمده برگرفته از این دولت‌ها همچون ناتو، در این راستا قابل ارزیابی است. بر این اساس، مأموریت‌های جدید ناتو حتی به عنوان اقدامات خارج از صلاحیت این پیمان به لحاظ حقوقی و انجام این مأموریت‌ها خارج از قلمرو سنتی در ارتباط با موضوعات جدید، این دغدغه امنیتی را نسبت به اثر این مأموریت‌ها بر منافع و امنیت ملی ایران افزایش داده است؛ به‌ویژه اینکه از سال 2001 تاکنون، شاهد مبارزه با تروریسم در افغانستان و تسلیحات کشتار جمعی در عراق و همچنین، نقش «دولت‌سازی»¹ آمریکا با همکاری ناتو در عراق و افغانستان هستیم (دهقانی فیروزآبادی، 1378: 307). هم‌اینک در شمال ایران، روسیه و 11 کشور آسیای مرکزی و قفقاز در جنوب، شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس با ناتو همکاری می‌کنند. ضمن اینکه نیروهای ناتو در ترکیه، عراق و افغانستان حضور داشته و پاکستان را متحد راهبردی خود قلمداد می‌کنند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، بارها طی موضع‌گیری‌های رسمی، مخالفتش را با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در مناطق پیرامونی خود اعلام کرده و ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی

برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه را به منزله تنگ‌کردن عرصه نفوذ، کنترل راهبردی و تهدید عمق راهبردی، منافع و امنیت ملی خود تلقی می‌کند (محمدی، 1389: 17)؛ زیرا حضور ناتو در منطقه می‌تواند ایران را در ابعاد نظامی و غیرنظامی (ناتوی فرهنگی) با چالش‌های جدیدی مواجه سازد. از سوی دیگر، با توجه به ساختار ناتو که نوعی نهاد هم‌گرایی نظامی است، ضرورتاً هم‌گرایی سیاسی را در پی خواهد داشت و هم‌گرایی سیاسی، مطابق نظریه وابستگی متقابل می‌تواند از موضوعی به موضوع دیگر سرایت نموده و در نهایت، به همکاری تجاری و اقتصادی منجر شود (فرازی، 1390: 142).

بر این اساس، نگاه رایج ایران به سیاست‌های ناتو به عنوان سازمانی تحت نفوذ امریکا، رویکردی تقابلی است و حضور آن را در محیط امنیتی خود، پدیدآورنده تهدیدهای بی‌شماری می‌داند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. تلاش ناتو برای زیرسؤال بردن مدل حکومت دینی ایران؛
2. محاصره فیزیکی ایران از طریق حضور ناتو در اکثریت مناطق پیرامونی ایران؛
3. همسایگی مصنوعی ایران با کشورهای جدید عضو ناتو؛
4. پررنگ‌شدن نقش و جایگاه برخی کشورهای همسایه ایران در سیاست خارجی قطب‌های عمده ناتو؛
5. احتمال انجام عملیات جاسوسی در داخل مرزهای ایران توسط نیروهای ناتو از طریق حضور در مناطق پیرامونی ایران؛
6. محدودیت تعاملی ایران با مناطق پیرامونی در صورت پیش‌گرفتن رویه تقابلی با ناتو از سوی ایران؛
7. احتمال عضویت رسمی اسرائیل در ناتو و در نتیجه انزوای ایران در منطقه؛
8. مشارکت ناتو در ترتیبات امنیتی خلیج فارس و به‌چالش کشیدن بومی‌سازی امنیت در خلیج فارس؛
9. توان تأثیرگذاری و فشار بیشتر امریکا بر ایران از طریق مشروعیت اقدامات ناتو بر ایران در صورت همراهی نکردن ایران با ناتو؛
10. اختلاف نظر ایران با ناتو و در نتیجه، تأثیر منفی بر روابط ایران با اتحادیه

اروپا؛

11. ارزیابی حضور ناتو در منطقه حکایت از افزایش خشونت و نظامی‌گیری در منطقه خواهد داشت (خوش‌اندام، 1386: 69).

در چنین اوضاعی، از سویی با استفاده از راهکارهای دیپلماتیک در برقراری ارتباط با کشورهای اروپایی ناتو، نباید فرصت داد دیدگاه امریکا نسبت به ایران، بر مجموعه ناتو غالب شود و از سوی دیگر، با درپیش‌گرفتن اقداماتی همچون اعتمادسازی، با کشورهای منطقه و همچنین تحریک افکار عمومی علیه حضور ناتو، مانع از نفوذ بیشتر آن در منطقه شد (دکتر میرفخرایی).

3. ارزیابی آثار مناسبات روسیه و ناتو بر روابط مسکو با تهران

وابط روسیه و ناتو که همواره از فرازونشیب‌ها و ابهامات بسیار برخوردار بوده، در فضای بعد از رویداد 11 سپتامبر و پشتیبانی و همکاری این کشور در نبرد جهانی علیه تروریسم، وارد مرحله جدیدی شده است؛ به طوری که در 4 نوامبر 2010، طبق گزارش گروه کارشناسان برای تهیه پیش‌نویس طرح راهبرد جدید ناتو تا سال 2020، در خصوص مشارکت با روسیه پیشنهادهای زیر ارائه شد:

1. طرح راهبرد جدید ناتو باید دربردارنده سیاست‌های تعامل سازنده کشورهای عضو ناتو با روسیه باشد؛

2. این طرح باید طرح‌های ناتو در گسترش روابط با کیفیت برتر با روسیه بر اساس منافع مشترک، اعتماد متقابل، شفافیت و آینده‌نگری را دربرگیرد. همچنین کشورهای عضو ناتو باید درهای همکاری با روسیه را در همه سطوح بگشایند؛

3. کشورهای عضو ناتو برای نیل به اهداف «شورای ناتو روسیه» از هر گونه همکاری دریغ نخواهند کرد و موارد خاصی را جهت کار مشترک با یکدیگر تعیین خواهند کرد (سفارت جمهوری اسلامی ایران بروکسل: 263 و 264). البته از آنجا که ماهیت تهدیدها در این طرح راهبردی، بیشتر منشأ و خاستگاهی امریکایی داشته و ارتقای جایگاه روسیه و همکاری آن با ناتو بیشتر بر اساس اراده و تلاش‌های امریکاست تا طرف اروپایی، طبعاً احتمال گرایش روسیه به سمت امریکا بیشتر است. از این رو، در دوره مدویدف و اوباما، روابط دو کشور به شکل جدیدی از سر

گرفته شد؛ به گونه‌ای که با سفر کلیتون، وزیر امور خارجه امریکا به روسیه، یک گروه کاری به ریاست پریماکف (نخست‌وزیر پیشین روسیه) و کیسینجر (وزیر امور خارجه پیشین امریکا) تشکیل شد که وظیفه آنها بررسی و ارائه راه‌حل‌هایی برای ارتقای سطح روابط دو کشور است (کرمی، 1390: 183).

از سوی دیگر، به دنبال نشست لیسبون در نوامبر 2010، روند همکاری‌های عملی بین روسیه و ناتو در حوزه‌های مبارزه با تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و طرح دفاع موشکی مشترک، افغانستان و جمهوری اسلامی ایران، رو به گسترش و تعمیق بیشتر است. تداوم این امر، منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند؛ به طوری که سردی محسوس روابط روسیه و ایران از سال 1388، حاصل تأثیرات همکاری‌های نزدیک روسیه با مجموعه ناتو و به‌ویژه ایالات متحده تلقی می‌شود. در این میان، اجماع نظر روسیه با ناتو مبنی بر ماهیت تهدیدکنندگی برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، تحدید همکاری‌های فنی و نظامی و نیز تغییر گفتمان مسکو در خصوص تهران در کنار طرح دفاع موشکی مشترک با ناتو، از نمودهای مهم آثار همکاری‌های روسیه و ناتو بر روابط مسکو-تهران محسوب می‌شود که تاکنون به همراه ده‌ها متغیر دیگر، مستقیم و غیرمستقیم روابط دوجانبه و منطقه‌ای دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

1-3. تلقی تهدید از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران

هرچند روسیه در روند برنامه هسته‌ای ایران نقش انکارناپذیری داشته است، اما سیاست این کشور در زمینه همکاری هسته‌ای¹ با تهران، دارای ماهیت متفاوتی بوده است؛ به گونه‌ای که با وجود تأخیرهای مکرر در راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، با اتخاذ مواضع دوپهلوی، از سویی به عنوان شریک هسته‌ای تهران، بر صلح‌آمیز بودن فعالیت هسته‌ای ایران و حق این کشور در دسترسی به فناوری هسته‌ای تأکید داشته و از سوی دیگر، در تصویب چهار قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت علیه ایران، غرب را همراهی می‌کند (امیدی، 1390: 44). این در حالی است که مسکو در چند سال اخیر، با لحن آشکارتری مواضع خود را در این خصوص ابراز داشته و مقام‌های

1. Nuclear Cooperation

بلندپایه این کشور بر همکاری نکردن ایران و روشن نبودن سیاست‌های آن در پرونده هسته‌ای اشاره کرده و حتی بر تحریم علیه ایران نیز تأکید کرده‌اند. همچنین، در سپتامبر 2009، مدویدف در موضع‌گیری خود در خصوص راه‌اندازی تأسیسات فردو، راه‌اندازی این مرکز جدید غنی‌سازی را ناقض قطعنامه‌های شورای امنیت توصیف کرد و ضمن ابراز نگرانی جدی در این خصوص، از ایران خواست هرچه سریع‌تر صلح‌آمیز بودن این تأسیسات را ثابت کرده و در این رابطه، حداکثر همکاری را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انجام بازرسی‌ها مبذول دارد (نوری، 1388). همچنین، در کنفرانس خبری مشترک با آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در 15 جولای 2010 (24 تیر 1389). در این خصوص اظهار داشت: «ایران طی مدت طولانی مشغول پژوهش‌های هسته‌ای بوده است... و کارشناسان مدتی است که ایران را در ردیف کشورهای قرار داده‌اند که در آستانه هسته‌ای شدن است... بارها گفته‌ام که ایران، شریک تجاری فعال و دیرینه ماست، ولی این بدان معنا نیست که ما نسبت به چگونگی توسعه برنامه هسته‌ای ایران بی‌تفاوت باشیم یا اینکه عناصر نظامی برنامه هسته‌ای ایران، موجب نگرانی ما نمی‌شود» (یاری، 1389: 119).

چندی پیش در 10 فوریه 2010، مادلین آلبرایت در جریان سفر گروه کارشناسی ناتو به روسیه در راستای تدوین مفهوم راهبردی جدید ناتو، در ملاقات با مقامات، سیاست‌مداران، قانون‌گذاران و جامعه دانشگاهی روسیه اعلام کرده بود: «امیدواریم در تحریم سنگین‌تر علیه برنامه هسته‌ای ایران، روس‌ها به ما بپیوندند» (زیباکلام، 1389: 23). به دنبال رأی مثبت مسکو به قطعنامه چهارم تحریم علیه ایران نیز، معاون وزیر خارجه آمریکا، دانیل راسل اعلام کرد: «واشنگتن از برخورد شدید و قاطعانه روسیه از برنامه هسته‌ای ایران احساس مسرت می‌کند» (یزدانی مقدم، 1389). چندی بعد سرگی پریخودکو، دستیار رئیس‌جمهور روسیه، در پاسخ به سخنان انتقادآمیز رئیس‌جمهور ایران از سیاست دوپهلوی روسیه در مقابل ایران، اظهار داشت: «بدون تردید، روسیه از منافع ملی بلندمدت خود پیروی می‌کند. برای روسیه هر گونه غیرقابل پیش‌بینی بودن، افراط‌گرایی سیاسی، عدم شفافیت و عدم استمرار سیاست در به‌کارگیری تصمیم‌های مرتبط با جامعه جهانی که نگرانی آنها را سبب شود، غیرقابل قبول است» (Space War, 2010)؛ البته عدم‌پذیرش طرح

روسیه در موضوع مبادله سوخت هسته‌ای از سوی تهران، در اتخاذ اقدامات شدید امنیتی مسکو در این خصوص بی‌تأثیر نبوده است (دکتر میرفخرایی).

2-3. تحدید همکاری‌های فنی و نظامی با جمهوری اسلامی ایران

ایران پس از جنگ تحمیلی و به‌منظور بازسازی و تقویت توان نظامی خود و در راستای سیاست نگاه به شرق، به همکاری نظامی با روسیه روی آورد؛ به‌طوری‌که ضمن موافقت‌نامه 15 میلیارد دلاری با شوروی در 1989، در سال 2000 نیز با وجود نگرانی‌های واشنگتن، سند همکاری ده‌ساله‌ای را با مسکو امضا کرد. باین‌حال و نظر به اینکه ایران طی دو دهه اخیر، از خریداران عمده تسلیحات و تکنولوژی‌های نظامی روسیه بوده است، در چند سال اخیر به موازات توسعه همکاری‌های نظامی روسیه با ناتو، مسکو قرارداد فروش سامانه موشک‌های اس 300 به ایران را که در اواخر سال 2007 بین دو کشور امضا شده بود، تا زمان تصویب قطعنامه 1929 شورای امنیت به تأخیر انداخت و با تصویب چهارمین قطعنامه تحریمی علیه تهران توسط شورای امنیت در ژوئن 2010 با حمایت روسیه، دمیتری مدویدف در 22 سپتامبر 2010، فرمانی تحت عنوان «اقدامات مربوط به اجرای قطعنامه شماره 1229 شورای امنیت مورخ 9 ژوئن 2010» صادر کرد که بر اساس آن، صدور تانک، خودروهای زرهی، توپ‌های کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگی، بالگرد، ناو جنگی و سیستم‌های ضد هوایی «اس 300» به ایران منع و همچنین واگذاری خدمات مالی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی روسیه، به طرف‌های حقیقی و حقوقی ایران منع شد (نوری، 1390)؛ بنابراین، گسترش و تعمیق همکاری‌های عملی بین روسیه و ناتو، با تأثیر منفی بر روابط دوجانبه با تهران، منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

نتیجه‌گیری

همکاری‌های روسیه و ناتو در فضای بعد از 11 سپتامبر، چنان گسترش یافت که در مفهوم راهبردی جدید تا سال 2020، بازیگری همچون روسیه که پیش‌تر تهدید یا رقیب به حساب می‌آمد، هم‌اینک در عین وجود برخی تعرضات، خودی تعریف شده است. ضمن اینکه پذیرش همکاری آن با ناتو که به دنبال تلاش‌های امریکا در

جلب رضایت این کشور حاصل شد، از اهداف و دستاوردهای مهم نشست لیسبون به شمار می‌رود. روسیه با وجود مخالفت با گسترش ناتو به شرق در سال‌های آتی نیز، بیش از آنکه به رقیبی نظامی در برابر ناتو تبدیل شود، تلاش می‌کند تا از طریق ارتباط مستمر و مؤثر، منافع ملی خود را با برنامه‌های آتی این پیمان تطبیق دهد. از سوی دیگر، هرچند روابط روسیه و ایران در دوره پسا شوروی، به دلیل حمایت تکنولوژیک و سیاسی آن از برنامه هسته‌ای تهران و برخی همکاری‌های نظامی حائز اهمیت است، اما این کشور در نگرش به ایران، همواره ملاحظات سیاسی و نظامی غرب را مدنظر دارد و باینکه از همکاری‌های اقتصادی و نظامی با تهران استقبال می‌کند، اما مرزی برای آن در نظر ندارد و نمی‌خواهد با گسترش روابط میان دو کشور به روابط مسکو و واشنگتن آسیبی جدی وارد کند (Friedman, 2009). این در شرایطی است که جمهوری اسلامی ایران به دلایل راهبردی، سیاسی و ایدئولوژیک، راهبردهای منطقه‌ای و جهانی ناتو را تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. به‌هرحال، همکاری‌های نزدیک روسیه و ناتو در سال‌های اخیر، روابط دو جانبه و منطقه‌ای مسکو تهران را چنان تحت تأثیر قرار داده که این کشور به همراه ناتو، برنامه هسته‌ای و موشکی ایران را تهدید می‌داند و ضمن تحدید برخی همکاری‌های نظامی با تهران، به قطعنامه 1929 شورای امنیت علیه ایران رأی مثبت داده است. درکل، با در نظر گرفتن جایگاه روسیه در مفهوم راهبردی و مأموریت‌های جدید ناتو، به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران باید ضمن بازتعریف نوع نگاه خود به این کشور، همکاری خود را با آن بر اساس اصل واقع‌بینی و نقش جدیدش در تعامل با امریکا و ناتو تنظیم و به آن توجه کند.

کتابنامه

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (1388). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- _____ (1387). چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (1386). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، تهران: وزارت امور خارجه.
- کرمی، جهانگیر (1388). روابط ایران و روسیه؛ عصر نوین همکاری‌ها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- محمدی، محمود (1389). اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- احدی، افسانه (1389). «مفهوم استراتژیک نوین ناتو: آینده مناسبات فرآتلانتیک»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم.
- امیدی، علی (بهار و تابستان 1390). «چالش‌های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره 8.
- تیشه‌یار، ماندانا (تابستان و پاییز 1389). «بررسی سیاست‌های ناتو در منطقه اوراسیا بر اساس نظریه برساخته‌گرایی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره 4.
- خوش‌اندام، بهزاد (1386). «تحولات جدید ناتو و آینده تعاملات سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول.
- زیباکلام، ستوده (پاییز 1389). «روند تدوین مفهوم استراتژیک نوین ناتو»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم.
- سوری، امیرمحمد (زمستان 1389). «نشست لیسبون: آغاز همکاری‌های دوجانبه روسیه و ناتو»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 72.
- سفارت جمهوری اسلامی ایران بروکسل، (پاییز 1389). «تعاملات پویای امنیتی و تضمین امنیت ناتو تا سال 2020»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم.
- سنایی، مهدی، روابط روسیه و آمریکا در دوره اوباما، 14 مرداد 1389 در: www.iras.ir
- فرازی، علی اکبر (بهار 1390). «ناتو، چالش‌های پیش رو و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرامنطقه‌ای ناتو.

کرمی، جهانگیر (پاییز 1389). «ایران و روسیه؛ متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، شماره 3.

میرزاخانی، اکرم (پاییز 1389). «ناتو و آینده روابط با کشورهای اسلامی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم.

نوری، علیرضا، «نشایگان تغییر در رویکرد روسیه در قبال ایران»، 4 مهر 1388، در: www.iraneurasia.ir

«سمت‌گیری روسیه با قطب‌نمای امریکایی؛ پیامدها بر روابط مسکو تهران»، 7 تیر 1389، در:

www.risiran.com

یاری، سعید (پاییز 1389). «روسیه، ناتو و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و چهارم.

یزدانی مقدم، محمدعلی، «نگاهی به مواضع جدید روسیه در قبال ایران؛ هم‌گرایی با امریکا و اروپا»، 7 تیر 1389، در:

www.iraneurasia.com

Sean, Kay, *NATO and the Future of European Security*, (New York: Roman and Little Field Pub).

Friedman, George, "The Middle East and Russia: New Game", February 14, 2006. See: www.Stratfor.com.

Dehass, Marcel, "Medvedevs Security Policy: A Provisional Assessment", 2009, see: www.mydomainwebhost.com.

Kay, Sean, "Missile Defence and the European Security Dilemma", *Paper presented for presentation, Annual Meeting of the International Studies Association*, New York city, February 2009.

Klussmann, Uwe and Others, "NATO's Eastward Expansion: Did the West Break Its Promise to Moscow?", February 2011, See: www.natoinfo.com.

Katzman, Kenneth, "the Iran Sanction Act", *Congressional Research Service*, 2009, See: www.CRS.Gov.

Shalichashvili, John, Klaus Nauman and Others, "Towards a Grand Strategy for an Uncertain World: *Renewing Transatlantic Partnership*", 2008, See: www.csis.org

Space War, "Russian Condemns Demagoguery After Ahmadinejad Criticism", May 2010, See: www.spacewar.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی